

تَرْبِیَّةٌ لِتَعْلِمِیَّةٍ

مدارس ابتدائی سوئد

- ۲ -

روز گذشته برای اینک اطلاعاتی جامعتر در خصوص کاردستی تحصیل نمایم نزد مادموازل « باگشروم » مدیرهٔ مکتب اوسترمالم رقم . ایندفعه مرا در اطاق مطالعه پذیرائی کرد، نگاهی باطراف انداختم ، میز تحریر بزرگ از چوب سفید در یک سمت ، دفاتر متعدد و لوازم نوشتن در روی میز ، در دست راست قفسه از زمین بسقف پیوسته محتوی سیصد جلد کتاب ، دو تابلوی قلمی یکی لوحهٔ غروب ، دیگری صورت مادری که اشکال کتاب را به طفل خود نشان میداد بدیوار آویخته یک نیمکت و چند سندیلی بنظرم رسید .

مدیره گفت: کلمهٔ مختصر «-لوید» که به فرانسوی آن را Travail manuel domestique باید نامید از حیث معانی و مشتملات بسیار مهم است ، عالی ترین اقدامات زنان سوئد کوشش و مجاهده ایست که برای زنده کردن کارهای دستی مبذول داشته اند ، ترقی مصنوعات بومی ما باندازه ایست که امروز در هیچ جا نظیر آن دیده نمیشود . با نهایت افتخار میگویم که صنایع ملی خودمان را در عصر اخیر بوجود آوردیم ، تمام دستگاه های بافندگی را که در قراء بمیده سوئد بکوشه فراموشی افتاده بودند از حالت معطله خارج کرده

بطوریکه سزاوار بود آنها را در مواقع بلند با احتشام گذاشتیم .
برای احراز این موفقیت بزرگ و احیای مصنوعات وطنی ، دستهای
زبر و خشن زنان روستائی و انگلستان نرم و نازک دختران فامیلهای
محترم ، مثل گروهی مگس نحل که در يك كندو عسل بسازند ،
متفقاً کار کردند .

این صنایع فقط از محسنات تاریخ اجتماعی سوئد شمرده نمیشوند ،
«سلوید» مهمترین علامت شاخصه موجودیت ملی ما است . يك پارچه
کلبم که برنگهای مختلف بافته شده باشد در حالت روحیه يك نفر
سوئدی تأثیری غریب دارد ، چند عصر پیش از این ، در فصل بهار
که مدت آن بسیار کم است ، زن و مرد در مزرعه بفلاحت مشغول
میشدند ، در زمستان که تقریباً هشت ماه بر این مملکت مستولی است ،
بدر کنده درختی را تراشیده میزی یا گنجه میساخت ، پسر قطعه
آهنی را که در کوره سرخ کرده بود با نهایت زحمت بصورتی که
میخواست در میآورد ، زنان و دختران ملبوسات خود را از پشم
و پنبه میبافتند ، چون مجبور بودند ایندت را در منازل بمانند خانه
خودشان را با اقسام قاشهای دیگر میآراستند ، بدیهی است نسوان
قرنهای سابق از نعمت دانش بهره نداشتند ، نقوش و اشکال را با
ذوق و سلیقه ارثی در منسوجات نقش میکردند و غالباً از کتاب
طبیعت سرمشق میگرفتند .

در اوایل عصر نوزدهم صنایع ما از اهمیت و اعتبار ساقط شدند ،
این تنزل دو سبب داشت : اولاً ایجاد چرخها و ماشینها و استخدام
آنها در ساختن تمام ضروریات زندگی که علاوه بر تسریع و تسهیل

عمل بواسطه صرفه جوئی در وقت و ارزان تمام شدن مصنوعات بر ترویج و انتشار آن میافزود، ثانیاً يك بلیه اجتماعی معروف به «مود» از عوامل این انحطاط بود، مردم بسبب شیوع این مرض آرایش حقیقی را فراموش کردند، امتعه فریبنده کارخانه های فرانسه و آلمان بسرعت هرچه تمامتر مملکت ما را محاصره نمودند، پس از چندی دانستیم که به حیثیت ملی ما چه ضربت مهلك وارد آمده است، میتوانم بگویم در مدت پنجاه سال در هیچ خانه اثری از قومیت و سوابق اجتماعی ما باقی نمانده بود. در ۱۸۷۲ بهمت دکتور «هازلیوس» موزه شمالی تاسیس و افکار سوئدبهارا بسوی خود متوجه کرد. طرز تلبس، اوضاع معیشت، قیافه های وطنی اجداد خویش را همه در آنجا مشاهده نمودند. هزارها یادگار گذشتگان که بدو قوتوحات ما متعلق بودند احساسات خفته مردم را بیدار کردند، در آن وقت يك نمایندگان صنایع بین الملل در کوبنهاگ تیار شدند، سوئد توانست چیزی از مصنوعات خود در آنجا عرضه بدارد، این اندازه خفت و سرفکندگی کفایت میکرد. دو سال بعد از این در تحت ریاست مادام «آدلسپار» و مادام «وینز» انجمنی برای صنعتهای ملی تشکیل یافت، تمام اهالی این فکر و اقدام را تحسین کردند و در پیشرفت مقصود شرکت نمودند. هرکس ذخیره و یادگاری نفیس داشت باین انجمن بخشید، جمعی از اعضاء این مجلس در «دالیکاری»، «اسکانه»، «لاپلانده» و ایالات

دیگر گردش کرده آنچه دستگاه نساجی بدست آوردند همه را باستوخولم فرستادند. فوراً، مکتب صنایع وطنی تأسیس شد، پیر زندهای روستائی که در دهات بودند با مضارف و زحمات برای معلمی بمرکز آمدند. در نتیجه ده سال کوشش و مبارزه متعادی مصنوعات مرده ما از نوجانی گرفتند، اما این دفعه اساس آن محکم بود. امروز در همه جا بازدياد امتعه بومی سعی میکنند، درحالی که سابقاً از این کار فایده عاید نمیشد اکنون سالی معادل ۳۸ میلیون واردات میدهد.

پیش از آنکه در خصوص شعبه های دیگر چیزی پرسم مادموازل به پروگرامی که روی میز بود نگاه کرد و گفت: شاگردهای کلاس چهاردهم درس نجاری و آهنگری دارند، اگر بخواهید می توانم يك درس «سلوید» را بشما نشان بدهم. از منتهای دهلیز به سالون طبقه تحتانی رفتم. معلمه شكل يك گنجه و ترتیب بریده شدن قسمتهای آن را با دخترها بیان میکرد. دخترها بهلوی دستگاه کار ایستاده گوش میدادند. همینکه تعریفات معلمه با آخر رسید تخته های مستطیل را که حاضر بودند با آنها تقسیم کرد، عملیات شروع شد، دستهای ظریف با رنده های برنده بصاف کردن تخته مشغول گشتند، معلمه با گونیا هر تخته را بچندین شکل تفریق نمود، فعالیت مرتب و سرعت منظم بر اینجا مستولی بود. از اینجا بطبقه پائین تر وارد شدیم. يك کارخانه آهنگری کوچکی دیدم پر از چرخها و اسبابهای گوناگون، جز صدای فرود آمدن چکشها و پنکا چیزی شنیده نمیشد. شاگردان گرم کار

بودند، معلم بهمہ رسیدگی میکرد و کیفیات عمل را با آنها میآموخت. مدیره گفت: بشما توصیه میکنم دارالمعلمین شهر «نهئس Naäs» را فراموش ننمائید. در تاریخ تشکیل انجمن صنایع شخص با همتی موسوم به «آبراہامسون» یک قطعه مزرعہ خودش را کہ در این شهر بود بصورت مکتب عملی «ساوید» در آورد، بدو پانزده طفل با آنجا فرستاده شدند، بلافاصله بر حسب لزوم شعبہ برای دخترها ایجاد نمودند.

در اثنای چند سال مکتب «نهئس» عنوان دارالمعلمین را احراز کرد، این تربیت تعلیم و تربیت بقدری جلب دقت نمود کہ در ۱۸۸۰ هبتی از طرف دولت آلمان برای مشاهده وضعیات این مدرسه اعزام گردید، در ۱۸۸۲ فرانسه و انگلیس، در ۸۳ بلژیک، در ۸۴ روسیه، در ۸۷ ایتالیا، هر یک مامورین مخصوص بانجار و آتہ کردند، هر سال تحصیلین بسیار از خارجه به (نهئس) میآیند، مدت تحصیل یک سال است و مجانی است. در ظرف ۲۵ سال از دارالمعلمین مزبور سه هزار معلم و معلمه دیپلوم گرفته اند، ۷۷۲ نفر از اینان طلاب خارجه بوده اند، محض تعمیم این دروس مفیده کہ باعث انکشاف فتر و هوش اطفال است دوازده دارالشفقه در استوخوانم ساخته اند، هزار و هفتصد طفل در این مؤسسات نافعہ درس صنعت میخوانند. در تمام سوئد ۳۸ مدرسه موافق این اصول دائر و بکار مشغول است، نظارت این مکاتب بخانمهای خانوادہهای بزرگ سپرده شده است کہ افتخاراً اینخدمت را انجام میدهند.